

تاریخ شاہنشاہی بزرگ ساسانی

جلد دوم

شاہپور اول

مولف : علی سماک محمدی



استادان اہل بیت علیہ السلام

سرشناسه : سماک محمدی، علی، ۱۳۵۷  
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ شاهنشاهی بزرگ ساسانی / مولف: علی سماک محمدی.  
 مشخصات نشر : تهران: ابریشمی فر، ۱۳۸۸.  
 مشخصات ظاهری : ج۲: عکس، نقشه.  
 شابک : دوره: ۳-۹۰-۸۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ج۲: ۷-۹۲-۸۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸  
 وضعیت فهرست نویسی : نیا  
 یادداشت : کتابخانه.  
 مندرجات : ج۲. شاهر اول  
 موضوع : ایران - تاریخ - ساسانیان، ۲۲۶ - ۶۵۱ م  
 موضوع : ایران - شاهان و فرمانروایان - سرگذشتنامه  
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ ت ۴۰۳/ DSR  
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۳  
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۲۸۲۳۵

نویسنده : علی سماک محمدی

صفحه آرابی : آزاده توماج نیا

لینوگرافی : فرآیند گویا

چاپخانه: شادرننگ

صحافی : گوهر

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹

شمارگان : ۲۰۰۰

شابک دوره: ۳-۹۰-۸۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸

شابک عنوان : ج۲: ۷-۹۲-۸۹۷۱-۹۶۴-۹۷۸

مدیر تولید : محمدرضا ابریشمی

ناشر : ابریشمی فر تهران آریاشهر فردوس تلفکس ۴۴۰۵۶۷۶۶

آدرس: مکانیه ای ناشر تهران صندوق پستی ۳۸۶-۱۳۴۴۵

[WWW.ABRISHAMIFAR.COM](http://WWW.ABRISHAMIFAR.COM)

Info @ Abrishamifar . com

## فهرست مطالب

|                                                        |     |
|--------------------------------------------------------|-----|
| مقدمه مولف.....                                        | ۹   |
| داستان تولد شاهپور.....                                | ۱۵  |
| ازدواج شاهپور و تولد هرمزد.....                        | ۲۱  |
| تاجگذاری شاهپور.....                                   | ۲۸  |
| افسانه هاترا.....                                      | ۳۳  |
| جنگهای ایران و روم در زمان شاهپور.....                 | ۴۳  |
| نظر نویسندگان مختلف در مورد مرگ گوردیان.....           | ۶۰  |
| در دوره شاهپور چند بار میان ایران و روم در گرفت؟.....  | ۷۰  |
| شاهپور و والریانوس.....                                | ۸۰  |
| هجوم شاهپور به آسیای صغیر.....                         | ۹۷  |
| لشکر کشی شاهپور به شرق.....                            | ۱۰۱ |
| سالهای آخر شاهنشاهی شاهپور شاهنشاه ایران و انیران..... | ۱۱۳ |
| ایران و ارمنستان.....                                  | ۱۱۶ |
| ایران و روم و روابط آنها با اعراب.....                 | ۱۲۶ |
| مانی.....                                              | ۱۳۸ |
| شاهپور در کتب نویسندگان قدیم.....                      | ۱۷۸ |
| بازمانده هایی از شاهپور.....                           | ۱۸۷ |
| تمام سکه های شاهپور اول.....                           | ۲۳۲ |
| شرح حال شاهپور اول پسر اردشیر پایکان از زبان خودش..... | ۲۳۶ |

## مقدمه مؤلف

آغاز شاهنشاهی شاهپور خط آخر صفحه ای از تاریخ پرارزش ایران شد که با روی کار آمدن اردشیر پاپکان آغاز گردیده بود. ایران دارای یک حکومت واحد و به معنی واقعی کلمه سرزمین شد. شاهنشاهی قدرتمند در راس هرم قدرت شاه دین و ملت قرار گرفته بود و این سه گانه برای ایرانیان هرم افتخار آفرید که عبارت بود از اعتبار جهانی ملیت روشن و دولتی قدرتمند. این بزرگترین ارمغان شاهنشاهی ساسانی برای مردم سرزمین ایران بود و باید هزار بار به ذهن خلاق برنامه ریزان ساسانی آفرین گفت زیرا آنها به راحتی دریافته بودند که پایه های حکومت قدرتمند نمی گردد مگر به ارتش قدرتمند و ارتش قدرتمند مگر به حمایت توده مردم شکل نخواهد گرفت پس باید دولت ساسانی به سمتی حرکت می کرد که هدف آن در ابتدا رضایت عامه مردم ایران از آنها بود. آنها نه تنها به مطالبات مادی مردم پاسخ مناسب دادند (این قضیه با وجود بناهای متعددی که از آن دوران باقی مانده است کاملاً قابل اثبات است. پل جاده کارونسراها و شهرهای متعدد و بسیاری دیگر از کارهای دولت ساسانی تنها به دلیل جلب رضایت مردم صورت گرفته است.) بلکه نیازهای روحی و روانی مردم در ایران عهد ساسانی به شدت مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفته بود و آن ایجاد عظمت و قدرت و شوکت شاهنشاهی در ایران بود که به نوعی زنده کننده و یاد آورنده عظمت پیشینیان گرانقدر آنها باشد. اینجا بود که مردم ایران می بایست برای آرمانهای دولت ساسانی از جان و دل مایه بگذارند و همینطور هم شد.

چنان اساس و پایه حکومت ساسانی توسط اردشیر و پسرش شاهپور مستحکم بنا شده بود که طوفانهای اواخر قرن سوم میلادی نتوانست خللی در ادامه حرکت شاهنشاهی ایران بوجود بیاورد.

شاهپور به معنای تمام کلمه شاهنشاه ایران بود ((شاه ایرانی و غیر ایرانی)). او اولین شاهی در تاریخ ایران بود که از کلمه ایرانی برای برای خطاب ساکنین ایران شهر استفاده کرد. ایرانی یعنی کسانی که در داخل حدود سرزمینهای ایران زندگی می کنند و غیر ایرانی شامل تمام مردمی که تابعین شاهنشاهی به حساب می آمدند. خود این جمله یعنی عظمت و غرور یعنی افتخار و بزرگی که شاهنشاه آنها به رعایای خود انتقال می داد و به طور یقین همانطور که ما امروزه از یادآوری آن دوره و بزرگی و شوکتی که اجداد پرافتخارمان برای ما به ارث گذاشتند احساس غرور می کنیم و لذت می بریم، مردم ایران در عهد شاهپور نیز چنین احساسی را تجربه کردند آنها در آن زمان غرق در بزرگی و عزت بودند.

قطعا وقتی که پدر خانواده از لحاظ شخصیت اجتماعی فردی قابل قبول برای جامعه باشد فرزندان نیز در سایه این پدر نیرومند دارای شخصیت بین دوستان و آشنایان و سایر افراد جامعه خواهند شد. همانطور که یک پدر معتاد و لایبالی شخصیت فرزندان را زیر سوال می برد یک پدر تحصیلکرده و یا با آبرو باعث سربلندی فرزندان خود نزد سایرین خواهد شد.

با روی کار آمدن شاهپور هیچ خللی در ادامه سیاستهای شاهنشاهی بزرگی که اردشیر بنا نهاده بود وارد نیامد بلکه حکومتی ساخته شد بر پایه قدرت و تکیه بر دین، همانطور که بسیاری از مردم ایران خواهان آن بودند. اینکه بعد از گذشت سالیان دراز ایرانیان دارای روح واحد ملی شده بودند و این قدرت یعنی حس وطن پرستی آنها را به سوی پیشرفت سوق می داد و در آینده خواهیم دید که ایرانیان با پشتوانه این احساس قوی دست به چه کارهای بزرگی زدند که حتی امروزه موجب شگفتی کسانی می شود که تاریخ آن دوران را مطالعه می کنند. اما به طور یقین انجام کارهای بزرگ ایرانیان در آن زمان تنها با اتکا به حس وطن دوستی (ناسیونالیسم) نبود بلکه باید آنرا تنها انگیزه کارهای بزرگ دانست که بدون داشتن اقتصاد قوی، دانش و علم و ثروت و ... هرگز مهیا نمی شد و هرگز ایرانیان نمی توانستند بزرگترین ضربات را بر پیکره امپراطوری معظم روم وارد کنند. اگر جاده نبود اگر پلها و کاروا نسراها و سایر تجهیزات مهندسی نبود هرگز امکان نداشت که ایرا نیان بتوانند نیروهای خود را در اندازه های بزرگ جابجا کنند.<sup>۱</sup>

وجود بناهای متعدد از زمان شاهپور (هر چند گذر زمان آسیب های فراوانی بر آن وارد ساخته است) خود بیانگر پیشرفت و ترقی ایرانیان در آن دوران طلایی است.

متأسفانه اطلاعات باقی مانده نوشتاری خاص آن دوران بسیار اندک است اما برای ما امروزه گنجی باقی مانده از خود شاهپور، که برای تحقیقات ما بسیار با ارزش است. شاهنشاه ایران هر آنچه را که در دوران او اتفاق افتاده و حائض اهمیت بوده را ثبت و ضبط نموده است به طور دقیق و بدون کم و کاست.

مابقی اطلاعات ما به دو دسته بزرگ تقسیم می شود ابتدا به معاصرین شاهپور در روم و ارمنستان و سپس به مورخین دوره اسلامی.

<sup>۱</sup> هر چند که ایرانیان در گذشته نیز این تاسیسات زیر بنایی را در ایران بوجود آورده بودند و در دورانه های پیشین (هخامنشی و اشکانی) برای راحتی اتباع شاهنشاهی تدابیر خاصی اندیشیده بودند.

با اینکه گذر زمان و کینه توزی بسیاری از کتابهای آن دوران را نابود کرده است اما آنچه که باقی مانده است آنقدر است که بتوان شرحی مناسب از شاهنشاهی ایران در زمان شاهپور نوشت ولی حق مطلب را ادا کردن بسیار سخت و دشوار است.

در این دوران مردم ایران زمین هر آنچه در توانشان بود برای رشد و پیشرفت کشور ایران بکار بردند از صنعت کاران گرفته تا نظامیان و تا افراد عادی شاهنشاهی ساسانی. آنها تمام تلاش خود را برای بقای و پیشرفت دولت نوپای ساسانی بکار بستند. البته دولت ساسانی نیز آنها را در این پیشرفت و ترقی تنها نگذاشت و با درایت خاص آنها را به سوی پیروزی در تمام جبهه ها (چه خارجی و چه داخلی) رهنمون ساخت.

تثبیت دین زرتشتی (هر چند مانویت که در آینده در مورد آن توضیح خواهیم داد در این دوران به رشد و کمال رسید) آرام شدن اوضاع داخلی و اطاعت کامل شاهان محلی از شخص شاهنشاه و از بین رفتن ظلم بی حد و حساب حاکمان محلی در مقابل قدرت دولت مرکزی و پیروزیهای محسوس نیروی نظامی شاهنشاهی در غرب و شرق و ساخت و سازهای فراوان زیر بنایی در اقصا نقاط کشور از مهمترین اقدامات شاهپور در بیش از سی سال سلطنت او به حساب می آید.

به طور احم اگر ما در زمان شاهنشاهی شاهپور می زیستیم می توانستیم تغییرات قابل لمس را احساس کنیم همانطور که ایرانیان آن عصر توانستند آنرا احساس کنند. به طور یقین پیروزی های بزرگ و قاطع بر امپراطوری بزرگ روم می توانست بسیار بر روحیه مردم ایران تاثیر گذار باشد و روح بزرگ ایرانیان را به کمال برساند. بر همین اساس بود که شاهنشاهی که اردشیر بنا نهاده بود توانست در مقابل طوفانهای بزرگ شرقی و غربی بیش از چهار صد سال دوام بیاورد و نام ایران و ایرانی را در جهان پر آوازه گرداند.

روی کار آمدن شاهپور برای ادامه حیات شاهنشاهی ساسانی یک موهبت الهی به حساب می آمد و این بهترین اتفاق ممکن بود که فرزند اردشیر شاهنشاه نخستین ساسانی فردی با اینهمه لیاقت و توانایی شد و توانست پایه های حکومت ساسانی را بسیار قوی و مستحکم سازد. اگر اتفاقاتی که در دوران بعد از شاهنشاهی شاهپور در این دوران به وقوع می پیوست (یعنی وجود شاهان بی لیاقت و سست اراده) قطعاً میتوانست عمر شاهنشاهی ساسانی را به آخر برساند و این برای حکومتی نوپا سم مهلکی به حساب می آمد.

شاهپور به بهترین نحو ممکن سیاست شاهنشاهی پدر خود را دنبال کرد و اندکی در پیشرفت آن خلل وارد ناساخت. او در ابتدا دست به تقویت و تجهیز ارتش ایران زد ارتشی که پدر او آنرا به بهترین و جدیدترین ابزار جنگی مجهز کرده بود. اما در این دوران شاهپور سراسر شاهنشاهی را برای آماده کردن یک ارتش بزرگ و نیرومند بسیج کرد تقریباً در این دوران بود که نوعی ارتش دائمی به سبک گارد جاویدان هخامنشی در ایران به وجود آمد. به طور یقین در این دوران تکنولوژی تولید تجهیزات جنگی در ایران وجود داشت و قطعاً کارخانه های بزرگ اسلحه سازی دولتی در سراسر شاهنشاهی کار آماده سازی تجهیزات ارتش ساسانی را آغاز کرده بودند. شاید این مسئله در ذهن تداعی شود که اقوام بیابانگرد آن دوران و دورانهای قبل از آن هم دارای اسلحه و لوازم جنگی بودند و توانایی ساخت آنها داشتند اما باید به این نکته توجه کرد که به هیچ وجه نمی توان ارتش پیشرفته ایران را با آن ارتشهای وحشی مقایسه کرد ارتش ایران دارای واحدهای تخصصی و کاملاً پیشرفته بود واحدهای سواره نظام زره پوش سنگین اسلحه<sup>۱</sup> واحدهای مهندسی و واحدهای تخصصی خاص محاصره به همراه وسایل پیشرفته مخصوص محاصره و ... همه و همه بیان کننده تفاوت ارتش ایران با سایر نیروهای نظامی هم عصر خود است و در برخورد های پیش آمده ما بین ارتشهای ایران در دورانهای مختلف (هخامنشی اشکانی و ساسانی) و اقوام بیابانگرد شرقی در طول بیشتر از هزار سال تنها چند بار آنهم به طور مقطعی ارتشهای وحشیان پیروز شدند و در سایر دفعات و در اکثر آنها ارتش ایران آنها را طور خرد کننده ای نابود کرد. یکی دیگر از ویژگی های ارتش ایران سرعت فراوان آنها در جمع شدن و آماده به جنگ بودن آنهاست. با نگاهی به نقشه ایران در زمان ساسانی به خوبی به این نکته پی خواهید برد که وسعت بسیار زیاد آن مشکلات فراوانی را در پیش روی جمع آوری و نقل و انتقال نیرو در این زمان (البته در دولتهای پیشین ایرانی نیز این مشکل وجود داشت) برای دولت ساسانی به همراه داشت پس می بایست دولت شاهنشاهی برای رفع این مشکل چاره ای مناسب بیاندیشد قسمتی از این مشکل با بازسازی و ساخت جاده ها پلهای جدید رفع شد اما وسعت بسیار زیاد سرزمینهای شاهی و نزدیکی نقاط حساس و کلیدی ایران به مرزهای روم کماکان شاهان ایران را برای جمع آوری به موقع نیرو دچار مشکلات می کرد. یک لشکر رومی برای رسیدن از پایتخت آسیای خود (انطاکیه) به مرزهای ایران به کمتر از سه هفته زمان نیاز داشت و فاصله آنها تا مرزهای ایران بسیار کم بود در

<sup>۱</sup> کاتا فراکتها که می توان از آنها به عنوان پدر شوالیه های چند قرن بعد در اروپا نام برد.

حالی که فاصله مرکز ایران و ایران شرقی از مرزهای غربی ایران بسیار زیاد بود پس به طور یقین سازمان جاسوسی بسیار فعالی در داخل خاک روم وجود داشت تا جدیدترین اخبار را به اختیار دولتمردان ایرانی قرار دهد. دولت شاهنشاهی به محض حصول اولین اخبار از جمع آوری نیرو از طرف رومیان واحد های شرقی خود را احضار می کرد تا در موقع مناسب از آنها بهره ببرند. به این ترتیب بود که سازمان نظامی و اداری ارتش ایران به بهترین وجه ممکن سازماندهی شد.

شاهپور می دانست که این ارتش نیرو مند مگر با داشتن ثروت فراوان و حمایت عامه مردم ایران زمین پابرجا نخواهد ماند و حمایت عامه مردم مگر با حمایت از دین جلب نخواهد شد، پس می بایست در تقویت دین زرتشتی از هیچ اقدامی فرو گذار نکند دینی که پدرش اردشیر خود را احیا کننده آن میدانست<sup>۲</sup> و در این دوران و در ادامه سیاست دینی شاهنشاهی موبدان زرتشتی بعد از سالیان دراز دارای دستگاه اداری و دینی خاص خود شدند و بزودی دارای قدرت سیاسی و اقتصادی فراوانی نیز شدند. بعد از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی دین از چتر حمایت دولت در ایران بیرون آمد و تنها در زمان سلطنت بلاش اول اشکانی بود که این شاه بنا به مقتضیات زمانه دست به حمایت از دین زرتشتی زد اما با درگذشت او این حمایت نیز از بین رفت. با ظهور اردشیر اول ساسانی و ایجاد شاهنشاهی جدید دین بهی (زرتشتی) از نو زنده شد و شاهان ساسانی تا آخرین روزهای حیات این سلسله بزرگ از آن حمایت قاطع کردند. اما سیاست شاهپور در این زمینه دو گانه بود با اینکه وی از برافروختن آتش در کتیبه اش سخن می گوید ولی به گونه ای عجیب به مانی اجازه تبلیغ در سراسر قلمرو ساسانی راداد<sup>۳</sup>. ایران در این دوران در هر زمینه ای اعم از علم و دانش - ساخت شهر جندی شاهپور که تبدیل به بزرگترین مرکز علمی جهان باستان شد - جنگ و فن آوری های وابسته به آن دین و دیانت، سیستم مالیاتی صحیح، ساخت پلها سدها جاده ها ... و شهر سازی به بالاترین حد خود رسید که باید بدون تردید شخص اول مملکت یعنی شاهپور را مسئول مستقیم آن بدانیم.

<sup>۲</sup> اما در آینده خواهیم دید که او در مقابل مانی از خود نرمش بسیاری نشان می دهد تا جایی که بسیاری او را به گرایش به مانویت متهم می کنند.

<sup>۳</sup> در این خصوص در بخش ((مانی)) توضیح کاملی آمده است.

در این کتاب دو هدف دنبال شده است اولین هدف بررسی زندگی شاهپور از ابتدا تا زمان مرگ این شاه بزرگ که در دو قالب بیان شده است ابتدا قالب داستانی و سپس قالب تحقیقی و هدف دوم سلسله اتفاقاتی که در این دوران روی داده که شاهپور هم در آنها سهمی داشته است مانند ظهور مانی. در قسمت اول بر طبق آنچه که این مجموعه بر پایه آن استوار است دقت شده تا ریز گفتگوها واقعی باشد یعنی اینکه سعی شده آنچه در کتب نویسندگان قدیم و جدید بوده در اینجا به کار برده شود و تنها در بعضی از بخشها مقداری از گفتگوها به آنها اضافه شده است. تمام سعی بر این است که از اصل واقعیت به هیچ وجه دور نشویم و اضافه کردن ریز گفتگوها تنها به دلیل جذاب شدن داستانها میباشد.

در بخشهای تحقیقی کتاب تمام سعی بر این اساس استوار است که تنها واقعیت را نشان دهیم به همین دلیل در بسیاری از قسمتها نظرات نویسندگان بزرگ را برای مقایسه و اطلاع خوانندگان عزیز آورده ایم که البته امیدوارم موجب تکدر خاطر آنها نشود. با اینکار و با استفاده از نشانه ها که ما را به سوی واقعیت راهنمایی می کنند با دوری جستن از هرگونه تعصب بی مورد قضاوت صحیحی انجام دهیم. در همین جا از همه بزرگانی که نظر بنده به نوعی خلاف آنها می باشد پوزش می طلبم و امیدوارم آنها آنرا به حساب کم سوادى اینجانب بگذارند.

اما با همه کاستی های این کتاب تصور می کنم برای کسانی که با تاریخ آشنایی کمتری دارند منع مناسبی فراهم کرده ام. توضیحات با زبان ساده، نقشه ها و عکس ها و خصوصا تعیین دقیق مکان شهرهای قدیمی و مشخص کردن آنها در نقشه های امروزی بسیاری از مشکلات تاریخ خوانان جوان و جویای علم تاریخ را حل خواهد کرد.

امیدوارم با کمک این کتاب گوشه ای از تاریخ پر افتخار کشورمان را برای مردم کشورم خصوصا جوانان و نوجوانان به خوبی بیان کرده باشم و نقاط تاریک آنرا روشن کرده باشم تا مردم ایران با یادآوری روزگار بزرگ گذشته به آینده ای روشن امیدوارتر باشند و به خواست خداوند به زودی روزگار بزرگ دورانهای پیشین از نو تکرار شود و ایران و ایرانی در تمام جهان سرافراز گردد. به امید آئروز.

در پایان با کمال افتخار این نوشته ناچیز را به همسر عزیز، دخترم و خانواده ام تقدیم می کنم تا شاید با اینکار اندکی از زحمات آنها را جبران کرده باشم.

علی سماک محمدی

بیست یکم فروردین هشتاد و هفت

## داستان تولد شاهپور

اردشیر پس از شکست اردوان و تصرف تیسفون، دختر اردوان را به زنی گرفت و جزئی از همان خاندان شاهی بود که به علت شکست غیر منتظره اردوان از اردشیر نتوانسته بودند از تیسفون بگریزند و



تصویر سنتی شاهپور

در شهر مانده بودند  
پس اردشیر او را  
با خود به پارس  
آورد.

به طور حتم و  
طبق یک امر طبیعی  
هرگز انسان قاتل  
پدرش را نخواهد  
بخشید حتی اگر  
آن قاتل شوهرش  
باشد، دیدن قیافه

اردشیر صورت پدر را در ذهن آن زن تداعی می کرد، برادران همسر اردشیر - پسران اردوان اشکانی - که پس از مرگ پدرشان گریخته و بر نزد پادشاه کابل - کابل در آن زمان جزئی از پادشاهی کوشان<sup>۵</sup> بود - رفته بودند نامه ای به خواهرشان نوشتند و آن را مخفیانه به خواهرشان رسانیدند.

از فرزندان اردوان شاهنشاه ایران شاه اشکانی به خواهرشان دخت اردوان:

«چنین که راست است مرد نباید رازش را به زن بگوید مگر ما می گوییم که شما مرگ خویشان نزدیک و دورارجمند خویش را که آن گنه کار ارتخشیر دشمن یزدان به ناراستی کشت فراموش

<sup>۵</sup> کوشان معروف به امپراطوری صحرا گردان در شرق ایران بوجود آمده بود. آنها جانشینان اسکندر را که در ایران شرقی برای خود حکومتی تشکیل داده بودند را نابود کردند و حاکم سرزمینهای آنها شدند این امپراطوری در زمان کانیشکای بزرگ به دوران اوج خود رسید و شامل شرق افغانستان و پاکستان و سرزمینها ماوراالنهر می شد مجسمه های بامیان که در زمان سلطه طالبان در افغانستان نابود شدند را همین کوشانها ساخته بودند. این امپراطوری در زمان سلطنت شاهپور اول ساسانی توسط ایرانیان اشغال شد و برای همیشه به تاریخ پیوست. در بخش لشکر کشی شاهپور به شرق در این خصوص توضیحات کافی آمده است.

کردید و در آنجا مهر و جوش و آرام دو برادر مستمند که به آزار و سختی و بیم و سهم و بی ارجی در شهر دیگران گرفتار ماندند و دو بدبخت دیگر که در زندان آن مهرورزنده دروغ افتاده و مرگ خود را می خواهند و شما را هیچ تیمار و اندیشه آنها و ما نمی باشد به سختی بمیرد آن مرد که در کیهان به زن استوار و بی گمان باشد و اکنون پیمان چنین است که اگر ما را دوست داری راهی برگزین و چاره بنما و کاری بکن و کین پدر و خویشان نزدیکت را که ارجمند بودند فراموش مکن اینک زهری به دست مردی بی گمان فرستاده ایم از آن بستان و هرگاه که بتوانی به آن مرد گنه کار پیش از آنکه خورش بخورد بده تا همان زمان بمیرد تا هر دو برادر زندانی تو رها شوند و ما نیز به شهر و بوم و خانمان خویش برگردیم و روان تو بهشتی شود و تو برای خویش نام جاوید یافته و نام دیگر زنان کیهان از کنش تو گرامی و نامی گردد.

آنها همراه نامه زهری مهلک فرستادند تا همسر اردشیر آن را به او بخوراند. روزی اردشیر خسته و تشنه وارد خانه شد زنش قبلاً زهر را با پسته و شیر بهم آمیخت و بدست اردشیر داد و اردشیر که اصلاً انتظار ریختن سم از طرف زنش در غذایش را نداشت خواست تا جام را سر بکشد که ناگهان آتش خدایی (آذرفرنبغ) به شکل خروسی سرخ پرید و با بال خود به آن جام ضربه ای زد و جام یفتاد و مایع آن بر زمین ریخت آنگاه گربه و سگی که در خانه بودند از آن خوردند و مردند.

اردشیر نظاره گر این صحنه بود، مات و مبهوت فقط به آن اتفاقات نگاه می کرد عجیب ترین اتفاق ممکن برایش روی داد فریاد برآورد:

- این زن را از جلوی چشم من دور کنید، نگهبانان، نگهبانان

نگهبانان فرار شدند و پشت سر آن موید موبدان نیز آمد.

اردشیر مرتب فریاد می زد و کسی یارای مواجهه با او نبود.

- او را بیرون ببرید و هلاکش کنید من باید می دانستم، من باید می دانستم که او هرگز زنی وفادار

برایم نمی شد. موید موبدان کجاست؟

- ای موید موبدان ای هیرید رای تو در این باره چیست؟ اگر زنی به جان شوی خویش سو قصد

کند حکمش چیست؟ آیا سرنوشتی غیر از مرگ در انتظار اوست؟

هیرید پاسخ داد:

- شاهنشاه ایران پایدار باشد و جاویدان، تنها مرگ پاداش این عمل اوست

به دستور اردشیر زن را از کاخ بیرون بردند. فرمان اردشیر قاطع بود: مرگ.